

اگر احساس خواب به شما دست داد در مکان امنی مانند پارکینگ‌های جاده‌ای، خودرو را متوقف کنید و از توقف در شانه بزرگراه خودداری کنید.

## جعبه جادویی

### فصل جدید «کتاب باز» در «شبکه نسیم» آغاز می‌شود

فصل چهارم «کتاب باز» با اجرای سروش صحت و با اعمال تغییراتی از شنبه دوم شهریور به روی آنتن می‌رود. این برنامه از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۲۰ روی آنتن شبکه نسیم خواهد رفت. یکی از قسمت‌های «کتاب باز» قرار است با ساختار جدیدی روی آنتن برود. هنرمندان، مجریان و کارشناسان در این فصل با «کتاب باز» همکاری خواهند داشت. محمدرضا رضاییان، تهیه‌کننده «کتاب باز» می‌گوید: «مادر «کتاب باز» درباره فرهنگ مطالعه و نه الزاماً کتاب‌خواندن حرف می‌زنیم. فرهنگ مطالعه یک



### «بانوی سردار» رادر «شبکه سه» ببینید



مجموعه تلویزیونی «بانوی سردار» به کارگردانی پرویز شیخ‌طادی دوشب است که از شبکه سه سیما پخش می‌شود. «بانوی سردار» به کارگردانی پرویز شیخ‌طادی و تهیه‌کنندگی سعید

مرادی در صداوسیما مرکز چهارمحال و بختیاری تولید شده است. این سریال در ۱۲ قسمت ۴۰ دقیقه‌ای به قلم پرویز شیخ‌طادی نگارش شده است. این سریال به زندگی نخستین بانوی سردار ایرانی که به مبارزه با استبداد انگلیس و حکومت مرکزی رضاشاه می‌پردازد. تربیت فرزندان دلیر وطن پرست شیر علیمردان خان، ایجاد وحدت بین اقوام ترک تباران و لر تباران، تاثیر گذاری بی‌بی مریم بر قوم بختیاری و استقلال و اتکا به خود از مضامینی است که در این سریال به آن پرداخته شده است. «بانوی سردار» درباره زندگی بی‌بی مریم مقلب به سردار مریم است که عدل و عدالت

### پخش سریال «بوعلی سینا» از «شبکه چهار»



شبکه چهار سیما از روز گذشته (۳۰ مرداد) مجموعه تلویزیونی تاریخی «بوعلی سینا» را به روی آنتن برد. هرشب ۱۵ دقیقه بامداد سریال «بوعلی سینا» پخش می‌شود. «بوعلی سینا» که در سال ۱۳۶۴ به تهیه‌کنندگی منوچهر

محمدی تولید شده، از جمله سریال‌های موفق دهه ۶۰ تلویزیون است که به زندگی بوعلی سینا دانشمند مشهور می‌پردازد. کیهان رهگذار نویسنده فیلمنامه، کارگردان و تدوینگر این سریال بوده است. رهگذار پیش از بوعلی

### ستاره اسکندری دیگر ممنوع تصویر نیست!



مینی‌سریال «گیله» و «به کارگردانی اردلان عاشوری شنبه، دوم شهریورماه از شبکه افق پخش می‌شود. این مینی‌سریال در ۷ قسمت و در شهرهای سیاهکل، کیشهر و تهران تصویربرداری شده است.

از بازیگران اصلی این مینی‌سریال می‌توان به حمیدرضا پگاه، ستاره اسکندری، امیرحسین صدیق، مهدی زمین‌پرداز، امیرحسین هاشمی، مه‌رآن رجبی و پریا مردانیان اشاره کرد. از نکات قابل توجه این سریال ایفای نقش میرزا کوچک‌خان جنگلی توسط بهروز شعبی است.

همچنین حسین توشه، علی عطایی، ستاره حسینی، حدیث نیکرو، برت جان کورن، استوارت دنیسون، امیر حامد، سینا محمدی‌فرو و ماهک خرسندی به نقش آفرینی در این مینی‌سریال پرداخته‌اند.

مینی‌سریال «گیله و» با موضوعی عاشقانه در تلاش است با نگاهی عاطفی، به زندگی مردم شمال ایران در بستر اتفاقات تاریخی سال ۱۲۹۷ بپردازد و روایتگر



### «مانکن» از شنبه می‌آید

سریال «مانکن» با بازی محمدرضا فروتن و مریلا زارعی از دوم شهر یورماه (شنبه) وارد شبکه نمایش خانگی می‌شود. در خلاصه داستان این مجموعه آمده است: «همیشه عشق‌های بزرگ و زیبا، دشمنان بزرگ و مخوف داشته‌اند...» محمدرضا فروتن، مریلا زارعی، نازنین بیاتی، امیرحسین آرمان، فرزاد فرزین، حسین پاکدل، نفیسه روشن، الهام پناه‌نژاد، رضا توکلی، همایون ارشادی، لیندا کیانی و شبنم قلی‌خانی در این سریال نقش آفرینی کرده‌اند.

## بررسی اوضاع فرهنگی «ماجرای انتساب سطرهای ناروا به اهالی ادبیات» در گفت‌وگوی «شهروند» با عبدالجبار کاکایی

# بگذارید مردم صدای خوب را بشنوند

همان‌ها که فرصتی جز نوشتن بر دیوار دستشویی‌های عمومی نداشتند، الان به لطف کیبورد، دیوار مجازی برای انتشار آثارشان یافته‌اند

پشت یک پراید نوشته شده بود «من آئی نیستم که شنیده‌ای؟ من آئی هستم که دیده‌ای؟» آخر این چه کشفی دارد؟ گویا باید پیذیریم که با آن جمله معروف «هنر نزد ایرانیان است و پس» سال‌هاست که وداع کرده‌ایم

در باره‌اش افتاده بود و انتساب سطرهای بی‌ربط به شاعران و نویسندگان مسأله سابقه‌داری است: «یک مُشت نادان کم‌سواد که اطلاعات کمی دارند و نسبت‌دادن کلام به شخص مورد نظر را تشخیص نمی‌دهند و اصلاً اطلاعی هم از او ندارند.» کاکایی می‌گوید که «همان‌طور که در منابر ما وعظ به جای آن که شعر سنایی و مولانا را بخوانند، می‌آیند و از فلان نغمه‌سرا و مدیحه‌سرا می‌خوانند و از او سند می‌کنند، نشان می‌دهد که قرایح و ذوق‌ها فرسوده شده و انتخاب‌ها بر اساس سادگی و ساده فهم‌بودن است.»

ریما محمدزاده | ماجرای انتساب جمله‌ها و نقل قول‌های شخصی به چهره‌های ادبی، ماجرای پرسابقه‌ای است. هر از چندگاهی در فضای مجازی با سطرهایی پر طرفدار و البته ساده‌مواجه می‌شویم که نام یک نویسنده یا شعر معروف بر پیشانی‌اش به چشم می‌خورد. بعد از مدتی هم معلوم می‌شود که این سطرها هیچ ربطی به چهره یاد شده ندارد. در تازه‌ترین نمونه با انتساب سطرهایی به عبدالجبار کاکایی، شاعر و ترانه‌سرا، روبه‌رو شده‌ایم. او البته در گفت‌وگو با «شهروند» مطرح می‌کند که قبل‌تر هم چنین اتفاقی

داریم؛ ایراد فهم و بصیرت عمومی داریم. گویا باید پیذیریم که با آن جمله معروف «هنر نزد ایرانیان است و پس» سال‌هاست که وداع کرده‌ایم. به قول شروین سلیمانی، طنز پرداز «ضرر نزد ایرانیان است و پس»، خیلی چیزها نزد ما هست و غالباً هنر کمتر نزد ماست. یکی از علت‌هایش این است که ما یک جامعه در حال توسعه جهان سوم هستیم با امکانات کم و فشارهای اقتصادی شدید و به هر حال موضوع هنر هم این روزها ابزار تبلیغات و انتقال پیام‌های اخلاقی است و خیلی به هنری بودن آثار توجه نمی‌شود. غالباً خود هنر به معنی خلق زیبایی به حاشیه رفته و کلام و زبان ابزار انتقال پیام شده است. همین که در منابر ما وعظ به جای آن که شعر سنایی و مولانا را بخوانند، می‌آیند و از فلان نغمه‌سرا و مدیحه‌سرا می‌خوانند و از او سند می‌کنند، نشان می‌دهد که قرایح و ذوق‌ها فرسوده شده و انتخاب‌ها بر اساس سادگی و ساده فهم‌بودن است. این ماجرا در موسیقی نمود بیشتری دارد. شعرهایی که امروز در موسیقی‌های ما به کار گرفته می‌شود، از چندلایه بودن به یک لایه بودن رسیده و به راحتی با متن شعر ارتباط برقرار می‌شود.

بله، چون سلاقی، دیگر حوصله تردد بین تخیل و واقعیت را ندارند. فوراً دنبال لب‌مطلبند و نمی‌خواهند از دریا و کوه و آبشار بنشینند. نمی‌خواهند از چال گونه و کمان ابرو بشنوند. سلاقی دوست دارند به دم دستی‌ترین و ساده‌ترین تصاویر دست پیدا کنند. چون نمی‌خواهند ببینند و بشنوند و فکر کنند. این ذهن سهل‌نگر و ساده‌پسند نشان‌نامه جامعه‌ای است که از جهت توسعه فرهنگی – هنری دارد کند جلو می‌رود و این نگران‌کننده است. به‌خصوص در حوزه موسیقی که ما گوش فرزندان مان را به موسیقی‌های عادت‌نمی‌دهیم و آنها بزرگ می‌شوند، با هر پادی به سمتی نمی‌روند. در این وضع زمان می‌برد که برای فهمیدن موسیقی خوب و بد و شعر خوب و بد تلاش کرد. اینها آقایی است که نه تنها دامن جامعه ما، بلکه خیلی از جوامع شبیه به ما جهان سوم می‌ها را ممکن است گرفته باشد. دلیل ناراحتی ما این است که پیشینه قوی‌ای داریم.

ضعیف از رسانه‌های رسمی مثل صداوسیما نبودیم. الان

انتشار آن هم جای بحث دارد.

خب، ببینید در این میان جقدر به موضوع کپی‌رایت

اهمیت داده می‌شود. من شنیده‌ام که در اغلب

وزارت‌های فرهنگ کشور‌های پیشرفته، معمولاً

هم نمی‌کنند که ممکن است عده‌ای جست‌وجوگر پیدا شوند و انتقاد کنند. البته فکر هم نمی‌کنم به انتقاد اهمیتی دهند؛ چون آنها به این موضوع فکر هم نمی‌کنند

فضای مجازی در این میان چه نقشی دارد؟

خب بخشی هم به پست گذاشتن‌ها مربوط می‌شود و این که همه به لطف کیبورد صاحب قلم شده‌اند و به راحتی درونیات‌شان را می‌نویسند. همان‌ها که فرصتی جز دیوار خانه‌های قدیمی یا دیوار دستشویی‌های عمومی برای نوشتن و انتشار عمومی نداشتند. اینها الان به لطف کیبورد دیوار مجازی‌ای یافته‌اند که می‌توانند روی آن آثارشان را بنویسند یا ذوق راننده‌هایی که سفارش بیست می‌دهند تا

سلاقی دیگر حوصله تردد بین تخیل و واقعیت را ندارند. فوراً دنبال لب‌مطلبند و نمی‌خواهند از دریا و کوه و آبشار بشنوند؛ نمی‌خواهند از چال گونه و ابروی کمان بدانند

پشت کامیون‌های‌شان نوشته شود را ببینید. در مملکتی با این همه بزرگ و ادیب و آثار گرانها، پشت کامیون‌نویسی‌ها را ببینید؛ غالباً شعرهای بسیار سست و ضعیفی دارند؛ مثلاً دیروز دیدم که پشت یک پرایدی نوشته شده بود «من آئی نیستم که شنیده‌ای؛ من آئی هستم که دیده‌ای». این چه کشفی دارد؟ تازه آن را خوشنویسی هم کرده و اطرافش هم گل کشیده.

یعنی می‌خواهید بگویید که مخاطب فعلی، دیگر دنبال کشف کردن در شعر و ادبیات نیست؟

ببینید وقتی در این سطح به پشت کامیون‌ها نوشته می‌شود به کشف می‌رسند و به ذوق می‌آیند، آدم‌ها امید می‌شود. آدم با خود می‌گوید «من در جامعه‌ای شعر می‌گویم که حد رضایت مردم این بیت است. پس من چه تلاشی کنم برای رضایت بیشتر از این؟ وقتی آن ظرایف را متوجه نمی‌شوند». خب، این در ذوق آدم می‌خورد.

البته این ماجرا صرفاً مختص به شعر نیست.

بله، این داستان فقط مختص به شعر نیست. با توجه به سلاقی‌شان در انتخاب رنگ، موسیقی، سینما، تئاتر... یکدفعه پی می‌برد که ایراد فقط تشخیص هنری‌بودن آثار نیست؛ بلکه یک ایراد جامعه‌شناسی

آقای کاکایی گفت‌وگو را با انتساب سطرها و نوشته‌ها به نام شما شروع کنیم؛ چندبار این ماجرا برای شما اتفاق افتاده است؟

تا به حال دو شعر در فضای مجازی به من نسبت داده شده است. یکی بیت موزون «خون دل می‌نوشم و شعرم تراوش می‌کند» و دیگری کلام ساده کنار هم چیده شده‌ای است که می‌گوید: «جان من سخت‌نگبر زندگی فلان است» و جالب هم آنجاست که دوستان هم غافل از مفهوم‌به‌به و چه‌چه می‌کنند.

ریشه این ماجرا به کجا برمی‌گردد؟ به نظر نظر چرا چنین اتفاق‌هایی می‌افتد؟

بخشی از آن محصول بی‌دانشی افرادی است که این کار را انجام می‌دهند. یک مُشت نادان کم‌سواد که اطلاعات کمی دارند و نسبت‌دادن کلام به شخص مورد نظر را تشخیص نمی‌دهند و اصلاً اطلاعی هم از او ندارند.

البته دیگر شاعران و نویسندگان هم درگیر این اتفاق بوده‌اند.

بله؛ من حتی دیدم در مراسم تشییع جنازه خانم بهبهانی افرادی آمده بودند و شعرهایی دست‌شان گرفته بودند و گریه می‌کردند که شعر اصلاً مال آن شاعر نبود. شعر سست، ضعیف و به درد نخوری هم بود. کمتر اطلاعات ادبی حکم می‌کرد که این فرد متوجه بی‌ربطی کار با خانم بهبهانی شود.

ماز شاعران دیگر هم نمونه‌ای دارید؟

مثل آن شعری که به قیصر نسبت داده‌اند: «گاهی گمان نمی‌کنی ولی خوب می‌شود آگاهی نمی‌شود که نمی‌شود که نمی‌شود»؛ اصلاً قیصر با این لحن بسیار ساده و پیش‌پا افتاده و در حد مبتذل که شعر نمی‌گفت. خب اهالی‌ای که به صورت تخصصی ادبیات را دنبال می‌کنند، از این نسبت‌های ناروا آزرده‌خاطر می‌شوند.

به بخشی از ریشه این انتسابات اشاره کردید؛ ریشه‌های دیگری هم دارد؟

بخشی دیگر به اعتقاد من به این ربط دارد که بعضی‌ها دوست دارند کلامی که مورد علاقه‌شان است به بزرگی نسبت دهند؛ یعنی عقد و از دواج کلام با سرآینده در ذهن‌شان اتفاق می‌افتد. مثلاً شاعری را خیلی دوست دارند و اسم او را در ادیو و تلویزیون شنیده و دیده‌اند و یک‌دفعه به بیت یا کلامی هم در جایی برمی‌خورند و حوصله نمی‌کنند که دنبال منبع آن بگردند و همان فی‌البداهه فکر می‌کنند که کار را به اسم چه کسی بنویسند. حسین پناهی، سمین بهبهانی، شاملو...؛ چند تا اسم در ذهن‌شان می‌آید و به اسمی که در فکرشان بیشتر تناسب دارد، نسبتش می‌دهند و فکر